

کاربرد شیوه‌های مدیریت معنا در ارتباطات و رهبری

امام علی (ع) در نهج البلاغه

محمد ذاکری^۱ - وحیده بهاورنیا^۲

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، بررسی برخی از ویژگی‌های مهم رهبری در حضرت علی (ع) و تبیین الگوی مدیریت معنا در خطبه‌های امام علی (ع) در نهج البلاغه است.

روش شناسی: در این راستا، نخست جوانب مختلف مدیریت معنا به عنوان شیوه برقراری ارتباط و رابطه آن با رهبری به صورت کلی عنوان شده و سپس الگوی مدیریت معنا در خطبه‌های حضرت علی (ع) در نهج البلاغه مطرح شده که شامل چهار عنصر استعاره، زبان ابتکاری، تضاد و داستان می باشد. این پژوهش به لحاظ استراتژی، کیفی و از منظر ماهیت بنیادی است و به روش تحلیل محتوا و با استفاده از فرم واریسی بسته و پیش سازمان یافته بر اساس چهار مولفه فوق و مبتنی بر خطبه‌ها و نامه‌های آن حضرت در نهج البلاغه انجام شده است.

یافته ها: نتایج این پژوهش نشان داد امام علی(ع) در فرایندهای ارتباطی خود با مردم و کارگزاران حکومت از هر چهار شیوه مدیریت معنا بهره‌گیری نموده و عنصر داستان در این بین از کاربرد بیشتری برخوردار بوده است.

نتیجه گیری: حضرت علی (ع) از چهار تکنیک مدیریت معنا جهت هدایت و نفوذ در انسانها به شیوه منحصر به فردی استفاده نموده است و در دوران حکومت خود با کارگزاران و عموم مردم به بهترین نحو ارتباط برقرار کرده و با برخورداری از مهارت‌های ارتباطی قوی توانسته است ضمن هدایت و بسیج مردم در شرایط خاص جنگ و نیز پیشبرد تحولات مرتبط با شیوه حکومت و استقرار عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد از این الگو به نحوی اثربخش بهره گیرد.

کلید واژه: ارتباطات، مدیریت معنا، رهبری، استعاره، زبان ابتکاری، تضاد، داستان

^۱ استادیار، گروه مدیریت، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (مسئول مکاتبات) m.zakeri@riau.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

مقدمه

هیچ مدیری نمی تواند کار خود را بدون برقراری ارتباطات خوب و مهارت‌های ارتباطی به خوبی انجام دهد (ایران نژاد پاریزی: ۳۲۰، ۱۳۸۵) ارتباط مؤثر یکی از عناصر کلیدی موفقیت مدیران است (مقیمی: ۳۱۱، ۱۳۸۵) ارتباطات مؤثر نه تنها کلید فتح تمامی درهای بسته در جهان است، بلکه فعالیتی اجتناب ناپذیر و الزام آور برای زندگی فردی، گروهی و سازمانی در تمامی جوامع بشری است (فرهنگی و همکاران، ۹، ۱۳۸۳). به طرق مختلف، می توان نقش ارتباطات را در فرآیند رهبری بررسی کرد. در موقعیت‌های مختلف، محتوای مناسب ارتباطات با هم فرق می‌کنند، اما تحقیقات نشان می‌دهد که رهبرانی که از محتوای بصری در ارتباطشان استفاده می‌کنند در مقایسه با کسانی که از محتوای عمل‌گرایانه استفاده می‌نمایند، اثربخش ترند. (اوامله و گاردنر، ۱۹۹۹؛ هولادی و کومبز، ۱۹۹۳).

دوران حکومت حضرت علی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ چراکه هدف نهایی حکومت اسلامی، تبلیغ اسلام در جهان است. دستیابی به این هدف با برقراری ارتباطات مؤثر و دوسویه میسر است. بنابراین با بررسی نامه‌ها و خطبه‌های موجود در نهج البلاغه می توان به موارد مربوط به ارتباطات و مهارت‌های ارتباطی مدیران در حکومت حضرت علی (ع) دست یافت. در بخش نامه‌ها، در مجموع ۷۹ نامه ذکر شده است که آنها را از نظر موضوعی می توان به سه دسته تقسیم کرد

دسته اول، نامه‌های اخلاقی و تربیتی است. دسته دوم، مکاتبات حضرت با معاویه؛ و دسته سوم (تقریباً ۳۹ نامه) مواردی است که حضرت درباره مسائل حکومت و مدیریت، به مناسبت‌های مختلف، خطاب به کارگزاران کشوری و لشکری بیان فرموده اند. در واقع می توان ادعا کرد که نیمی از نامه‌های نقل شده از علی (ع) در نهج البلاغه به مباحث حکومت و مدیریت اختصاص دارد (اعراف، ۱۳۸۰، ص ۲۲-۴۵).

از آنجا که برای تداوم حیات تمامی حکومت‌ها، از جمله حکومت اسلامی، داشتن مدیریتی کارآمد و شایسته الزامی است و به علاوه، تسلط کافی رهبران، حاکمان و مدیران این حکومت در رفتار بهتر با زیردستان می تواند باعث تحقق سیاست‌ها و اهدافشان شود، آنان باید ضمن تلاش در راستای کسب ویژگی‌های مهارت ارتباطی متکی بر دانش اسلامی، به عنوان یک حکومت جهاتی و پیشرو معرفی شوند. یکی از مطالعات مهم در زمینه ارتباطات و رهبری توسط گیل فرهاست و رابرت سار (۱۹۹۶) انجام گرفت؛ به نظر فرهاست و سار، رهبری «بازی زبان» است. رهبران سازمان‌ها از زبان در جهت تعامل با اجزا متنوع استفاده نموده و در قالب مشخص به کار می‌برند. که ضروری ترین مهارت برای این بازی، توانایی قالب بندی یعنی شیوه مدیریت معانی است که با پنج تکنیک استعاره، زبان ابتکاری، داستان و تضاد انجام می‌شود (ناتینگهام، ۲۰۱۴، ۱۰۱).

از آنجا که گفتار و نوشتار و ادبیات زیبا، جذاب و همراه با ضوابط فصاحت و بلاغت از مصادیق زیبایی است که حضرت علی پیشوای بلاغت سرچشمه ی آن است به نظر می‌رسد ایشان در کتاب نهج البلاغه از این ابزارهای قالب بندی استفاده نموده اند. لذا این پژوهش در پاسخگویی به این پرسش است که «امام علی (ع) در نهج البلاغه از کدام الگوهای قالب بندی مدیریت معنا در راهبرد ارتباطات رهبری خود بهره برده اند؟»

- رهبری در اسلام

اهمیت فوق العاده رهبری بر سه اصل مبتنی است. اصل اول مربوط است به اهمیت انسان و ذخائر و نیروهای که در او نهفته است که معمولاً خود به آنها توجه ندارد. اصل دوم مربوط است به تفاوت انسان و حیوان، انسان با اینکه از جنس حیوان است از نظر مجهز بودن به غرائز با حیوان تفاوت دارد؛ یعنی ضعیف تر از حیوان است. امیرالمؤمنین علی (ع) در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه موضوع مجهز بودن مورچه را به غرایز زندگی بیان و تشریح

می‌کند. انسان با اینکه از نظر نیروها مجهزترین موجودات است و اگر بنا بود با گزینه رهبری شود می‌بایست صد برابر حیوانات مجهز به غرایز باشد، در عین حال از نظر غرایزی که او را از داخل خود هدایت و رهبری کنند، فقیرترین و ناتوان‌ترین موجود است. لهذا به رهبری، مدیریت و هدایت از خارج نیاز دارد. این همان اصلی است که مبنا و فلسفه بعثت انبیاء است. اصل سوم مربوط به قوانین خاص زندگی بشر است. یک سلسله اصول بر رفتار انسان حکومت می‌کند که اگر کسی بخواهد بر بشر مدیریت داشته باشد و وی را رهبری کند جز از راه شناخت قوانینی که بر حیات و بر روال زندگی بشر حاکم است، میسر نیست. (مطهری، ۱۳۶۱، ۱۱۳-۱۱۵)

- مدیریت معنا

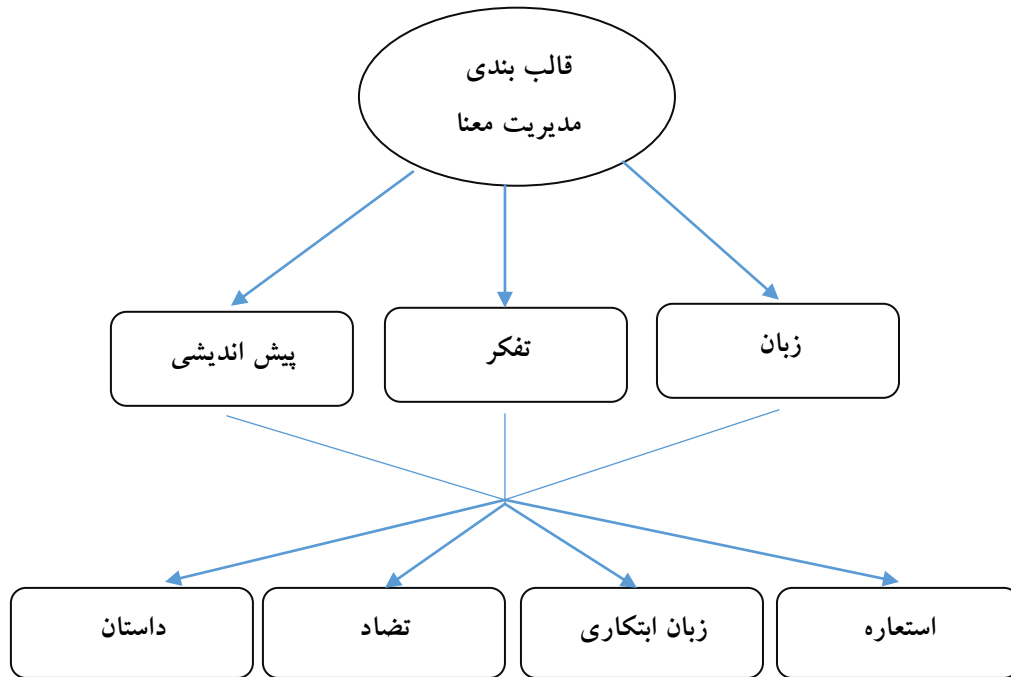
فرهاست و سار رهبری را تحت عنوان بازی زبان قلمداد نموده و استدلال می‌کنند که ضروری‌ترین مهارت برای این بازی توانایی قالب بندی است. قالب بندی شیوه مدیریت معانی است که یک یا چند جنبه از موضوع خاص نسبت به سایر جنبه‌های آن انتخاب یا برجسته می‌شوند

فرهاست و سار استدلال می‌کنند که رهبران اثربخش فرایند قالب بندی را با درک مشخصی از واقعیات و اهداف پیش روی سازمان به عنوان شیوه برقراری ارتباط آغاز می‌کنند. یعنی رهبران موثر می‌دانند اکنون در کجا هستند و در آینده به کجا خواهند رفت. رهبران موثر افرادی هستند که به بسترها توجه می‌کنند و زمان و موقعیتهایی را تشخیص می‌دهند که با معانی به شرایط و موقعیت‌ها شکل می‌دهند. فرهاست و سار عنوان می‌کنند رهبری که معانی را مدیریت می‌کند به عنوان هنرمندی که با پالت رنگ کار می‌کند تا تصویری را خلق کند، از مجموعه واژه‌ها و نمادها برای کمک به ساخت قالب ذهنی شنونده استفاده می‌کند. استفاده از زبان در قالب بندی می‌تواند شامل تنوعی از راهکارهای ارتباطی باشد که می‌توان به سایرین در دیدن جهان به شیوه ای که میخواهید آنها را ببیند کمک می‌کند. ارتباطات و رهبری به سمت مدلی تغییر یافته که در آن برقراری ارتباط به عنوان ابزاری در خدمت رهبری اثربخش نیست بلکه واسطه ای است که از آن طریق روابط رهبری ایجاد می‌شوند. در این دیدگاه، فرهاست رهبری را فرایندی تمرین شده می‌داند زمانی که ایده‌های رهبر در کلام و عمل منجر به پیشبرد وظایف سازمانی از سوی سایرین می‌شوند. این دیدگاه جدید رهبری، مفاهیم ساده سازی شده رهبران را با استفاده از ابزار برقراری ارتباط جایگزین می‌کند تا بر زیردستان خود با استفاده از شیوه‌هایی اثر گذار که در نتیجه آن رهبری موثر در بستر سازمانی شکل گیرد (میلر^۲، ۲۰۱۲، ۱۹۱-۱۹۳).

مطابق نظر فرهاست و سار (۱۹۹۶) قالب بندی شامل سه جزء زبان، تفکر و پیش اندیشی می‌باشد. زبان به ما کمک می‌کند تا اطلاعات را به خاطر آورده و آن را انتقال دهیم. برای به کارگیری زبان باید تفکر کرد که در چارچوب تفسیری خود و ارتباط با دیگران منعکس می‌گردد و برای انجام آن باید پیش اندیشی داشت و فرصتهای الگوبندی را پیش بینی نمود.

تکنیکهای قالب بندی مطابق نظر فرهاست و سار عبارتند از: استعاره، زبان ابتکاری، تضاد و داستان

ابزار قالب بندی فرهاست و سار در رهبری به عنوان مدل مفهومی پژوهش، مورد استفاده قرار گرفته است و سوالات تحقیق بر مبنای آن طراحی گردیده است.



روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی و از نوع تحلیل محتوای کیفی است و در آن همه خطبه‌ها و نامه‌های مندرج در نهج البلاغه امیرالمومنین (ع) (ترجمه استاد محمد دشتی) مورد بررسی قرار گرفته است. تحلیل محتوای روشی است که برای استنباط تکرار پذیر و معتبر از داده‌ها از متن مورد استفاده قرار می‌گیرد. این فن در جستجوی دریافت جنبه‌های ادراکی و احساسی پیامها و یا ادراکات ضمنی قابل استخراج از بیانات است (دانایی فر و همکاران، ۱۳۸۶). برای انجام این تحقیق که با استراتژی کیفی انجام شده است از فرم واریسی بسته و پیش سازمان یافته استفاده شده و جملات و عبارات منتخب به انضمام متن فارسی و آدرس در حوزه‌های منبعث از چارچوب نظری به عنوان روش یا پیش نیاز درج گردید.

یافته‌ها:

با بررسی محتوای خطبه‌های حضرت علی (ع) در نهج البلاغه داده‌های مورد نیاز تحقیق گردآوری گردید که نتایج تحلیل محتوای انجام شده بر اساس الگوی مدیریت معنا با چهار تکنیک عنوان شده به شرح زیر می‌باشد؛

نشانه	نکات کلیدی	کدگذاری باز
خطبه ۵	ایها الناس شقوا امواج الفتن بسفن النجاه ای مردم، امواج سهمگین فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات در هم بشکنید	-تشبیه فتنه به دریایی خروشان. -کشتی نجات استعاره ای است از هر وسیله نجات بخش از میانه فتنه و گمراهی
خطبه ۲۰۴	فان امامکم عقبه کوودا که پیشاپیش شما گردنه ای است سخت و دشوار؛	«عقبه کوودا» را که به معنای گردنه ای ناهموار و صعب العبور در میان کوههاست برای بیان دشواریهای پس از مرگ استعاره آورده است.
نامه ۴۵	واجتنبت الذهاب فی مداحضک.. ای دنیا واز لغزشگاههایت دوری گزیده ام	واژه «مداحض» در لغت به معنای مکانی از گل و لای است که پای افراد در آن می‌لغزد وامام (ع) این واژه را برای دنیا و فریبکاری‌های

آن استعاره آورده و دنیا را به لغزش روح انسان دانسته است.	
خطبه ۷	...فباض و فرخ فی صدورهم و دب و درج فی حجورهم... [شیطان] در دل‌های آنان تخم گذارد، و جوجه‌های خود را در دامانشان پرورش داد؛
خطبه ۳	دست بریده: برای ترسیم انسان بی یار و یاور
خطبه ۵	بال و پر: ترسیم گر دوستان و یاران باوفا
خطبه ۱۰۵	چشمه‌هایی زلال و گوارا: تصویر گر معارف الهی و علوم حقه در سینه اولیای خدا
خطبه ۱۹۶	چراغ فروزان: نمادی از پیشوایان حق و راهنمایان راه خدا
خطبه ۱۵۶	رسمان مستحکم: تصویر گری گویا برای کتاب نجات بخش قرآن
خطبه ۲۱۴	شاخ و بر انبوه: نمایانگر کثرت یاران و پیروان
خطبه ۵۶	خون دوشیدن: ترسیم گر مصائب و سختیها

استعاره در لغت به معنی عاریت گرفتن و به عاریت خواستن است (معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۵۱)، و در اصطلاح علم بیان به کار گرفتن لفظی است در غیر معنای اصلی خود به دلیل وجود علاقه و مشابهت میان معنای اصلی و مجازی (الحسینی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۵۹) استعاره با تجسم بخشیدن به امور ذهنی و جاندارنمایی امور بی جان بر اثر بخشی و جذابیت کلام می افزاید (همان، ص ۶۶؛ علی الصغیر، ۱۴۲۰ق، ص ۱۱۶). یکی از استعارات نغزی که شارحان نهج البلاغه آن را از نیکوترین استعارات خوانده اند (ابن ابی الحدید، همان، ج ۱، ص ۲۱۵)، این سخن امام (ع) است. ایها الناس شقوا امواج الفتن بسفن النجاة: ای مردم، امواج سهمگین فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات در هم بشکنید. (دشتی، همان، خطبه ۵، ص ۵۱) در این تعبیر، امام (ع) فتنه را به این دلیل که مبتلایان به خود را به هلاکت می کشد به دریایی خروشان تشبیه کرده و لفظ امواج را برای آن استعاره آورده است. (ابن میثم، همان، ج ۱، ص ۲۷۷). امام (ع) دشواری‌ها و مخاطراتی را که آدمی پس از مرگ در پیش رو دارد در قالب این صحنه شگفت به نمایش می گذارد: فان امامکم عقبه کوودا که پیشاپیش شما گردنه ای است سخت و دشوار؛ (دشتی، همان، خطبه ۲۰۴، ص ۴۲۷). امام علی (ع) در این سخن «عقبه کوودا» را که به معنای گردنه ای ناهموار و صعب العبور در میان کوههاست (حسینی شیرازی، بی تا، ج ۴، ص ۶) و گذر کردن از آن بسیار کند و دشوار صورت می گیرد و برای بیان دشواریهای پس از مرگ استعاره آورده است. در تعبیری دیگر، این استعاره بدیع امام (ع) را شاهدیم: واجتنبت الذهاب فی مداحضک. . ای دنیا و از لغزشگاههای دوری گزیده ام؛ (همان، نامه ۴۵، ص ۵۵۵). واژه «مداحض» در لغت به معنای مکانی از گل و لای است که پای افراد در آن می لغزد و امام (ع) این واژه را برای دنیا و فریبکاری‌های آن استعاره آورده (الحسینی، همان، ص ۵۳۱ و ۶۱۷) و دنیا را به لغزش روح انسان دانسته است. در جای دیگر، گزیده شدن سینه منحرفان به نیش شیطان با این استعاره بیان شده است: ...فباض و فرخ فی صدورهم و دب و درج فی حجورهم... [شیطان] در دل‌های آنان تخم گذارد، و جوجه‌های خود را در دامانشان پرورش داد؛ (دشتی، همان، خطبه ۷، ص ۵۳). در این سخن، واژه‌های «بیض» (تخم نهادن) و «افراخ» (جوجه گذاشتن) در معنای استعاره به کار رفته و وجه شبه آن است که پرنده هر گاه آشیانه ای مناسب بیابد، در آن تخم می نهد و جوجه می

آورد. شیطان نیز هر گاه سینه‌های مردمان را جای مناسبی برای خود بیابد در آن مأوی می‌گزیند و دیگر خانه زاد وجود آنان خواهد شد (ابن میثم، همان، ج ۱، ص ۲۸۲).

زبان ابتکاری

نشانه	نکات کلیدی	کدگذاری باز
خطبه ۲۸	...الا وان الیوم المضمار وغدا السباق. آگاه باشید! امروز روز تمرین و آمادگی و فردا روز مسابقه است؛	امام علی (ع) برای ترسیم صحنه دنیا از واژه زنده و گویای «مضمار» بهره می‌جوید. کلمه «ضامر» به حیوان لاغری گفته می‌شود که بر اثر تمرین و کار لاغر و ورزیده شده باشد که مستلزم آن چابکی است. به این ترتیب، امام (ع) دنیا را همچون میدان تمرین و ورزیدگی ترسیم کرده است. که هر کس برای رسیدن به جوایز مسابقه مهمی که در پیش روی دارد باید خود را از قبل آماده و ورزیده سازد
خطبه ۱۵۷	...فکانکم بالساعه تحدوکم حدو الزاجر بشوله، گویا [ساعت] پایان زندگی و قیامت شما را فرا می‌خواند، چنان خواند ساربان شتر بچه راه.	مرگ در این تصویر همچون ساربانی ترسیم شد که با آواز مخصوص قافله بشری را به سرعت به سمت مقصد واقعی آنها می‌راند و لحظه ای از حال این قافله غفلت نمی‌کند. جالب آنکه امام (ع) با واژه «تحدوکم» آهنگ و آوای حاکم بر این قافله را نیز به زیبایی نمایش داده است.
خطبه ۲۱	فان الغایه امامکم وان وراء کم الساعه تحدوکم، قیامت (وبهشت و دوزخ) پیش روی شما و مرگ در پشت سر [همچون ساربانی] شما را می‌راند؛	با توجه به معنای «تحدوکم» که راندن شتر با آواز مخصوص است، این نکته به ذهن می‌رسد که انسان با زر و زیورها و سرگرمیهای دنیا غافل است
خطبه ۶۴	وان غائبا یحدوه الجدید ان اللیل والنهار لحرى بسرعه الاویه (وامر غایبی [سرآمد زندگی] که گذشت شب و روز آن را به پیش می‌راند سزاوار است که به سرعت فرا رسد؛	اجل و پایان زندگی همچون شتری تیز پا از آینده به سوی انسانها حرکت می‌کند و، از این سو، شب و روز همچون دو ساربان برای سرعت دادن به حرکت این حیوان به خواندن حذاء مشغول اند. شتر مرگ چنین به سرعت به سوی انسان می‌آید.
خطبه ۸۳	ماتحا فی غرب هواه [به دلو بزرگ] درهوا پرستی غرق شده	انسان می‌کوشد هر طور که شده ولو وجود خود را از شهوات و لذتهای دنیوی پر سازد و آخرین قطرات آن را از اعماق چاه هوی و هوس خویش بیرون کشد و خود را سیراب سازد.
حکمت ۴۵۶	لماظه (به معنای لقمه جویده یا باقیمانده غذا در دهان	برای ترسیم کم ارزشی و حقارت دنیا
خطبه ۱۱۳	لعهقه به معنای مقدار بسیار اندکی غذا، که انسان با سرانگشت یا قاشق کوچکی روی زبان می‌گذارد و زود فرو می‌برد،	برای ترسیم دینداری‌های بی‌محتوایی که به دل نرسیده و فقط لقلقه زبان است
حکمت ۴۷۲	صعاب (شترهای) سرکش و چموش،	برای تصویر کردن ابرهای پرسر و صدا و همراه با رعد و برق
حکمت ۱۴۷	همج (پشه یا مگسهای دستخوش باد و طوفان	برای ترسیم انسانهای بی‌مقدار و بی‌ثبات

سخنان علی (ع) سرشار از تعبیر زنده و بدیعی است که در آنها برای انتقال بهتر و گویا تر مفاهیم و معانی از تصویر پردازی استفاده شده است. تصویر پردازی در اصطلاح به معنای به کار گرفتن سخن به گونه ای خاص است که در آن معانی و مفاهیم به روشی جدید و ابتکاری تجسم می یابند و حتی به صورتی جلوه می کنند که گویی خواننده آنها را رؤیت می کند. (یا سوف، ۲۰۰۶، ص ۹۰). به تعبیری ساده و موجز می توان گفت که تصویر پردازی عبارت است از، پرده برداری از معانی با تعبیری زنده و احساس برانگیز. روشن است که تصویر در حوزه ارتباطات با تصویر در حوزه هنرهای تجسمی و نمایشی تفاوت دارد، زیرا ابزار تصویربرداری در حوزه ارتباطات الفاظ و عبارات است، نه قلم و رنگ و عکس. نمونه هایی از چنین تصویر پردازیها را می توان به وضوح در سخنان امیر مومنان علی (ع) مشاهده کرد. به تعبیر سید رضی، «الفاظ خادمان معانی اند، زیرا وظیفه خوش نمایی و آرایش معنا را بر عهده دارند» (۱۳۳۰ش، ۲۴۴). البته واژه‌ها در ایفای این نقش مراتب متفاوتی دارند و همه آنها را نمی توان در یک رتبه قرار داد. در بین کلمات علی (ع) گاه واژه هایی را می توان سراغ گرفت که هر یک به روشنی صحنه نمایش زنده ای را به تصویر در می آورد و افق فکری وسیعی را در برابر انسان می گشاید. جورج جرداق درباره کلمات شگفت انگیز و تأثیر گذار امیر بیان (ع) می گوید: اصولاً به علت وسعت افق فکری امام، او واژه ای را به کار نمی برد مگر آنکه در آن واژه رازی باشد که خواننده را به ژرف اندیشی و خرده بینی وا می دارد. در سخن او هیچ عبارتی را نمی توان سراغ گرفت مگر آنکه در برابر شما افقهای وسیعی از نظر فکری می گشاید. که در ورای آن افقهای دیگری از نقطه نظر اندیشه و فکر وجود دارد (۱۴۱۷ ق، ص ۱۰) و در اینجا، فقط به شرح نمونه هایی اندک از کلمات جاندار و مصور نهج البلاغه بسنده می کنیم.

الف) مضمار: به گفته اهل لغت، «مضمار» مدت زمانی را می گویند که اسب برای مسابقه لاغر می شود. یعنی چند روز اسب را به علف خوردن می بندند تا فربه شود. سپس علف را قطع می کنند و غذای معمولش را می دهند تا برای مسابقه ورزیده شود که این مدت غالباً چهل روز به طول می انجامد. این واژه همچنین به مکانی اطلاق می شود که اسب را در آن چنین لاغر می کنند (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۷۲۲ و ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۰؛ ابن ابی الحدید، ۱۹۶۵، ج ۲۰، ص ۸۸ و بهج الصباغه، ج ۱۲، ص ۹۰ و منهاج البراعه، ج ۱۶، ص ۱۸۵). امام علی (ع) برای ترسیم صحنه دنیا از واژه زنده و گویای «مضمار» بهره می جوید و می فرماید...: الا وان الیوم المضمار و غذا السباق... آگاه باشید! امروز روز تمرین و آمادگی و فردا روز مسابقه است؛ (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۲۸، ص ۷۷). به گفته راغب در مفردات، کلمه «ضامر» نیز به هر حیوان لاغری گفته نمی شود، بلکه به حیوان لاغری گفته می شود که بر اثر تمرین و کار لاغر و ورزیده شده باشد که مستلزم آن چابکی است. به این ترتیب، امام (ع) با این واژه گویا و مصور دنیا را همچون میدان تمرین و ورزیدگی ترسیم کرده است. که هر کس برای رسیدن به جوایز مسابقه مهمی که در پیش روی دارد باید خود را از قبل آماده و ورزیده سازد.

ب) حدو: این کلمه در لغت از ماده «حدو» گرفته شده و در اصل به معنای آواز خواندن برای شتر به منظور سرعت حرکت آنهاست (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۳۰۹) نزد عربها معمول بوده که وقتی ساربانها می خواستند شتران را به سرعت وا دارند. برای آنها با صدای مخصوصی آهنگ می خواندند. در یکی از تصاویر بدیع نهج البلاغه این صحنه دیدنی به نمایش درآمده است...: فکانکم بالساعة تحدوکم حدو الزاجر بشوله) گویا [ساعت] پایان زندگی و قیامت شما را فرا می خواند، چون خواند ساربان شتر بیچه راه؛ (دشتی، همان، خطبه ۱۵۷، ص ۲۹۳). مرگ در این تصویر همچون ساربانی ترسیم شد که با آواز مخصوصش قافله بشری را به سرعت به سمت مقصد واقعی آنها می راند و لحظه ای از حال این قافله غفلت نمی کند. جالب آنکه امام (ع) با واژه «تحدوکم» آهنگ و آوای حاکم بر این

قافله را نیز به زیبایی نمایش داده است. در تصویری دیگر شاهد این صحنه ایم: فان الغایه امامکم وان وراء کم الساعه تحدوکم، قیامت (وبهشت و دوزخ) پیش روی شما و مرگ در پشت سر [همچون ساربانان] شما را می راند؛ (همان، خطبه ۲۱، ص ۶۷) با توجه به معنای «تحدوکم» که راندن شتر با آواز مخصوص است، این نکته به ذهن می رسد که انسان را گردش شب و روز و ماه و سال به پایان زندگی نزدیک می کند، اما او به علت آمیخته بودن زندگی با زر و زیورها و سرگرمیهای دنیا غافل است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۷). نقش آفرینی دیگر این واژه مصور را در این صحنه شاهدیم که اجل و پایان زندگی همچون شتری تیز پا از آینده به سوی انسانها حرکت می کند و، از این سو، شب و روز همچون دو ساربان برای سرعت دادن به حرکت این حیوان به خواندن حداء مشغول اند. شتر مرگ چنین به سرعت به سوی انسان می آید و بر در خانه او زانو می زند. وان غائباً یحدوه الجدید ان اللیل والنهار لحرى بسرعه الاویه (وامر غایبی [سرآمد زندگی] که گذشت شب و روز آن را به پیش می راند سزاوار است که به سرعت فرا رسد؛ (دشتی، همان، خطبه ۶۴).

ج) ماتح: ماتح به کسی اطلاق می شود که بالای چاه ایستاده و می کوشد تا با دلو آب چاه را (تا آنجا که می تواند) بکشد. در مقابل، «مایح» به کسی گفته می شود که در چاه برود و از پایین دلو را پر کند (ابن الاثیر، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۲۹۱). امام (ع) حالات انسانهای دنیا پرست و غافلی را که برای به چنگ آوردن مال و منال دنیا و لذتهای زودگذر و اشیاء هوی و هوس تمام تلاش خود را به کار می گیرند چنین به نمایش می گذارد: ماتحاً فی غرب هواه [به دلو بزرگ] در هوا پرستی غرق شده؛ (دشتی، همان، خطبه ۸۳، ص ۱۳۹). به کاربردن این واژه زنده و مصور برای انسان این حقیقت را ترسیم می کند که وی می کوشد هر طور که شده دلو وجود خود را از شهوات و لذتهای دنیوی پر سازد و آخرین قطرات آن را از اعماق چاه هوی و هوس خویش بیرون کشد و خود را سیراب سازد.

تضاد

نشانهگر	نکات کلیدی	کدگذاری باز
خطبه ۱۵۷	بندگان خدا! بدانید که تقوی دژی محکم و شکست ناپذیر است [که ساکنان خود را از گزند عذاب دنیا و آخرت حفظ می کند]. اما هرزگی و گناه خانه ای در حال فرو ریختن و خوار کننده است که از ساکنان خود دفاع نخواهد کرد	تصویر نتایج پرهیزگاری و بی بند و باری برای انسان
خطبه ۱۶	آگاه باشید همانا گناهان چون مرکبهای بدرفتارند که سواران خود [گناهکاران] را عنان رها شده در آتش دوزخ می اندازند. اما تقوی چونان مرکبهای فرمانبرداری اند که سواران خود را عنان بردست، وارد بهشت جاویدان میکنند	تصویر نتایج گناه و تقوی
خطبه ۸۶	راستگو در راه نجات و بزرگواری است. اما دروغگو بر لب پرتگاه هلاکت و خواری	تصویر حالت راستگویان و دروغگویان
خطبه ۲۰۱	مردم! آن کس که از راه آشکار برود به آب می رسد و هرکس از راه راست منحرف شود [در بیابان بی نشان] سرگردان خواهد شد [واژ تشنگی خواهد مرد	تصویر سرنوشت متفاوت هدایت یافتگان و گمراهان
حکمت ۴۵	اگر با این شمشیرم بر بینی مؤمن بزنم که مرا دشمن بدارد، دشمن نخواهد داشت و اگر تمام دنیا را در گلوی منافق بریزم که مرا دوست بدارد، دوست نخواهد داشت	تصویر رویا رویی مؤمن و منافق
حکمت ۳۷۶	حق سنگی اما گواراست و باطل سبک اما کشنده	تصویر رویا رویی حق و باطل

سرشت انسان به گونه ای است که اشیا را از راه مقایسه با هم و مقایسه با نقطه مقابلشان می شناسد و اگر نقطه مقابل نباشد، نمی تواند آنها را بشناسد گرچه درکمال ظهور باشند؛ (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۲۴۱). رویارویی صحنه‌ها تأثیر عمیقی در مخاطب دارد و بدیهی است ارائه یک صحنه در مجاللی خاص نمی تواند همان تأثیری را بگذارد که در رویا رویی آن با صحنه مقابلش پدید می آید. افزون براین، رویا رویی صحنه‌ها این فرصت را به مخاطب می دهد تا با شناخت هر دو طرف و مقایسه آنها، یکی را انتخاب کند (باباطاهر، ۱۴۲۰ق، ص ۲۱۷). در اینجا، برخی تصویر نهج البلاغه را که با رویا رویی صحنه‌ها شکل گرفته اند نمونه می آوریم.

-تصویر نتایج پرهیزگاری و بی بند و باری برای انسان: بندگان خدا! بدانید که تقوی دژی محکم و شکست ناپذیر است [که ساکنان خود را از گزند عذاب دنیا و آخرت حفظ می کند]، اما هرزگی و گناه خانه ای در حال فرو ریختن و خوار کننده است که از ساکنان خود دفاع نخواهد کرد (دشتی، همان، خطبه ۱۵۷، ص ۲۹۳).

-درتصویری دیگر، این دو مفهوم چنین درمقابل هم قرار گرفته اند: آگاه باشید همانا گناهان چون مرکبهای بدرفتارند که سواران خود [گناهکاران] را عنان رها شده در آتش دوزخ می اندازند. اما تقوی چونان مرکبهای فرمانبرداری اند که سواران خود را عنان بردست، وارد بهشت جاویدان میکنند (همان، خطبه ۱۶، ص ۵۹). آگاه باشید! پرهیزگاری همانند مرکبهای راهوار است که اهلش بر آنها سوار می شوند و زمام آنها به دستشان سپارده می شود تا آنان را به بهشت جاویدان برسانند (همان، خطبه ۱۶، ص ۵۹).

-تصویر حالت راستگویان و دروغگویان: راستگو در راه نجات و بزرگواری است. اما دروغگو بر لب پرتگاه هلاکت و خواری (همان، خطبه ۸۶، ص ۱۴۵).

-تصویر سرنوشت متفاوت هدایت یافتگان و گمراهان: مردم! آن کس که از راه آشکار برود به آب می رسد و هرکس از راه راست منحرف شود [در بیابان بی نشان] سرگردان خواهد شد [واز تشنگی خواهد مرد] (همان، خطبه ۲۰۱، ص ۴۲۳).

-تصویر رویا رویی مؤمن و منافق: اگر با این شمشیرم بر بینی مؤمن بزنم که مرا دشمن بدارد، دشمن نخواهد داشت و اگر تمام دنیا را در گلوی منافق بریزم که مرا دوست بدارد، دوست نخواهد داشت... (همان، حکمت ۴۵، ص ۶۳۹).

-تصویر رویا رویی حق و باطل: حق سنگی اما گواراست و باطل سبک اما کشنده (همان، حکمت ۳۷۶، ص ۷۲۱).

داستان

نشانیگر	نکات کلیدی	کدگذاری باز
خطبه ۱۹۲ و ۱۹۱	از داستان ابلیس، پند و عبرت بگیرید، از این رو که عبادات طولانی و کوشش‌های فراوان او (بر اثر تکبر) از بین رفت، او خداوند را شش هزار سال عبادت نمود که معلوم نیست از سال‌های دنیا است یا از سال‌های آخرت ولی با ساعتی تکبر و غرور، همه عبادات و کوشش‌هایش را محو و نابود کرد، گرچه ابلیس، آسمانی و عرشی بود، ولی فرمان خدا بین اهل آسمان و زمین یکی است، و همه بندگان در برابرش مساوی هستند ای بندگان خدا، از این دشمن خدا (یعنی ابلیس) بر حذر باشید	سرکشی ابلیس
حکمت ۱۰۳	خشعٌ لهُ الْقَلْبُ، وَ تَذَلُّ بِهِ النَّفْسُ وَ يَقْتَدِي بِهِ الْمُؤْمِنُونَ؛ "پوشیدن این لباس کهنه، دل را خاشع و نفس اماره را خوار می کند و مؤمنان از آن سرمشق می گیرند"	ساده زیستی علی

نشانیگر	نکات کلیدی	کدگذاری باز
کلمات قصار ۲۶۱- ۲۶۲	كُنَّا إِذَا أَحْمَرُ الْبَاسِ اتَّقِينَا بِرَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَم - فَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِّنَّا أَقْرَبَ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ هر گاه آتش جنگ سخت شعله ور می شد و زبانه می کشید، ما به رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - پناه می بردیم و هیچیک از ما به دشمن، نزدیکتر از آن حضرت نبود.	شجاعت پیامبر (ص) از نگاه علی (ع)
حکمت ۴۲۰	رَوَيْدًا أَمَّا هُوَ سَبُّ سَبِّهِ، أَوْ عَفْوٌ عَنِ ذَنْبٍ: «آرام باشید جواب دشنام، دشنام است و یا بخشیدن و عفو از گناه.	شکیبائی و تحمل علی (ع)
خطبه ۱۹۲	علی - علیه السلام - می فرماید: من گفتم: لا اله الا الله، ای پیامبر! من نخستین کسی هستم که به پیامبری تو ایمان دارم. اما سران شرک و قریش (عنود) همه گفتند: «محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - ساحر و دروغگو است.	صلایت علی (ع)
خطبه ۲۰۹	اما من از کسانی هستم که از سرزنش سرزنشگران نمی هراسند، سیمایشان سیمای صدیقین است، و گفتارشان گفتار نیکان می باشد، زنده دار شب و روشنی بخش روزند. رهرو خط قرآن و احیا کننده سنت های خدا و رسولش می باشند. از تکبر و غرور و فساد و خیانت دور می باشند. دل هایشان در بهشت و پیکرهایشان در انجام مسئولیت و وظیفه الهی است.	شیوه زندگی در لباس و غذا و ...
حکمت ۴۵	ان الله تعالی فرض علی ائمه العدل ان یقذروا انفسهم بضعه الناس کیلا یتبع بالفقیر فقره؛ خداوند متعال بر پیشوایان عدل و حق، واجب کرده است که بر خود سخت گیرند، و شیوه زندگی شان را هماهنگ با وضع زندگی طبقه ضعیف مردم قرار دهند، تا ناداری و فقر، فقیر را از جا بدر نبرد	عاشق علی (ع) و دشمن کینه توز آن حضرت
خطبه ۱۵۶	هرگاه با این شمشیر بر بینی فرد با ایمانی بزنم که مرا دشمن بدارد، دشمن نخواهد داشت و اگر تمام دنیا را در گلولی منافق بریزم که مرا دوست بدارد، دوست نخواهد داشت و این به خاطر آن می باشد که بر زبان پیامبر امی (درس نخوانده) واقع شده است که فرمود: «یا علی لا یغضک مؤمن ولا یحبک منافق؛ ای علی! مؤمن با تو دشمنی نمی کند و منافق تو را دوست نمی دارد	عشق سرشار علی (ع) به شهادت
خطبه ۱۴۱	پیامبر - صلی الله علیه و اله و سلم - شورو هیجان، عشق به شهادت و عشق پیوستن به یاران، و لقای دوست را از سیمای ملکوتی علی - علیه السلام - دریافت، به علی - علیه السلام - روی نموده و فرمود: ان ذلک لکذالک، فکیف صبرک اذا: «آن چه گفتم واقع می شود، ولی بگو بدانم صبر و استقامت تو چگونه است؟! امام علی - علیه السلام - عرض کرد: ای رسول خدا، لیس هذا من مواطن الصبر ولكن من مواطن البشری و الشکر: «اینجا جای صبر و استقامت نیست، بلکه جای بشارت و شکر است» (جای تسلیت نیست، بلکه جای تبریک است	فاصله بین حق و باطل
خطبه ۲۱۹	الباطل ان تقول سمعت، والحق ان تقول رایت؛ باطل آن است که بگوئی شنیدم، و حق آنست که بگوئی دیدم وقتی که امام علی - علیه السلام - کنار جسد طلحه و عبدالرحمن بن عتاب، گذشت، فرمود: «ابو محمد (طلحه) در این مکان، تنها و بی مونس	علی (ع) کنار جنازه طلحه

کدگذاری باز	نکات کلیدی	نشانگر
	مانده است، به خدا سوگند من نمی خواستم که زیر این آسمان کشته‌های قریش را بنگرم، انتقام خود را از بنی «عبدمناف» گرفتم ولی رؤسای «بنی جُمَع» فرار کردند، این جنگ افروزان برای امری (یعنی خلافت و رهبری) گردن کشیده بودند که اصلاً شایستگی آن را نداشتند، فوقصوا دونه؛ قبل از آن که به آرزوی خود برسند، گردن‌های کشیده آنها شکسته شد.	
علی (ع) کنار قبر زهرا (س)	السلام علیک یا رسول الله عَنی، و عن ابنتک النَّازله فی جوارک، و السَّریعه اللِّحاق بک، قلَّ یا رسول الله عن صفتیک صبری، ورقَّ عنها تجلّدی الا ان فی التَّأسی لی بعظیم فرقتک و فادح مصیبتک موضع تعزُّ... سلام بر تو ای رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - از جانب خودم و دخترت که هم اکنون در جوارت فرود آمده و به سرعت به تو پیوسته است، ای پیامبر خدا! صبرم از فراق دختر برگزیده ات، کم شده و طاقتم از دست رفته است، ای پیامبر، امانتی که به من سپرده بودی، به تو برگردانده شد، اما اندوه من همیشگی است و...	خطبه ۲۰۲
قاطعیت، برای اجرای عدالت	، و ایم الله لانصفن المظلوم من ظالمه و لاقودن الظالم ببحرامته، حتی اوردده منهل الحق وان کان کارها؛ سوگند به خدا داد مظلوم را از ستمگر می گیرم، و افسار ستمگر را می کشم، تا او را به آبشخور حق، وارد سازم، هر چند ناخوشایند او باشد	خطبه ۱۳۶
فرمان خنثی سازی نقشه دشمن	در پی توطئه معاویه امام علی - علیه السلام - بی درنگ نامه ای برای «قثم» نوشت و جریان را به او گزارش داد. در آن نامه آمده: «اما بعد: مأمور اطلاعاتی من، از شام گزارش داده که گروهی از مردم شام به سوی مکه فرستاده شده اند، گروهی کوردل و گنگ و ناشنوا، تا در موسم حج، ذهن مردم را تیره کنند و باطل را با حق مشوب نمایند. آنها دین به دنیا فروشانی هستند که اطاعت مخلوق را در برابر فرمان خدا، برگزیده اند و از پستان دنیا شیر می دوشند و از مجازات آخرت غافلند... بنابراین آن چه حزم و تدبیر اقتضا می کند و آن چه از امکانات در اختیار داری، قیام و حرکت بر ضد آنها کن، ولا تکن عند النعماء بطراً ولا عند الباساء فشلاً؛ از آن افراد نباش، که هنگام رفاه و نعمت، مغرور و خوشحالند و هنگام ناراحتی و سختی، سست و زبون می باشند حتماً اقدام جدی کن .	نامه ۳۳
گوشه ای از زهد پیامبر اسلام (ص)	پیامبر با تمام قلب خویش از زرق و برق دنیا، چشم پوشید، و یاد دنیا را در وجود خود میراند، او علاقه بسیار داشت که زیورهای دنیا در برابر دیدگانش قرار نگیرند. دنیا را کاروان سرا قرار داده بود. از این رو دلبستگی به آن را از قلبش دور ساخت از شما می پرسم: آیا خداوند، محمد - صلی الله علیه و اله و سلم - که چنین روشی برای خود انتخاب کرده بود، را گرامی داشت، یا به او اهانت نمود، اگر کسی بگوید: خدا او را تحقیر کرده که به خدا سوگند، دروغ بزرگی به خدا نسبت داده است، و اگر بگوید: او را گرامی داشته، پس باید بدانند که خداوند غیر او را (که روش او را انتخاب نکرده و دلبستگی به زرق و برق دنیا پیدا کرده)، تحقیر کرده است.	خطبه ۱۶۰

نشانیگر	نکات کلیدی	کدگذاری باز
	بنابر این، پیامبر - صلی الله علیه و اله و سلم - را الگو قرار دهید و در خط او حرکت کنید و گرنه راه شما، راه هلاکت و سقوط خواهد بود.	
	از طرف عمروعاص (مشاور مخصوص معاویه) نیرنگی به کار برده شد و قرار شد سپاه معاویه، قرآن‌ها را سر نیزه کنند و فریاد بزنند «ای سپاه علی - علیه السلام - بیائید بین ما و شما، قرآن حاکم باشد. هر چه قرآن حکم کرد، آن را پیروی کنیم و جنگ و خونریزی را ترک نمائیم.» این دسیسه فریبنده و خوش نما، بسیاری از ساده لوحان سپاه علی - علیه السلام - را فریب داد، و هر چه آن حضرت فرمود که به جنگ ادامه بدهید چون این نیرنگ و فریب معاویه و عمروعاص می باشد، ولی عده بسیاری از سپاه علی - علیه السلام - به سخن او اعتنا نکردند، و اختلاف شدیدی در میان سپاه علی - علیه السلام - به وجود آمد. سرانجام سپاه معاویه (که یک نوع دزد عقیده بودند) با سپر قرار دادن قرآن، فرمان قرآن را نابود کردند، و با این ترفند موزیانه، بسیاری از مقدس مآبهای کوردل را که در اطراف علی - علیه السلام - بودند فریب دادند، و هر چه علی - علیه السلام - آنها را نصیحت کرد و هشدار داد، گوش نکردند [1].	ماجرای حکمین
خطبه ۲۳۸ و ۴۰	حتی امام در این مورد، به خدا پناه برد و به صورت دعا چنین فرمود: «اللهم انک تعلم انهم ما الکتاب یریدون؛ خداوندا تو می دانی که هدف آنان قرآن نیست. سرانجام امام علی - علیه السلام - برای حفظ اتحاد، مجبور شد که حکمت ابوموسی را که آنها پیشنهاد کردند، بپذیرد، امیر مؤمنان علی - علیه السلام - فرمود: «کَلِمَةُ حَقٍّ يَرَاؤُ بِهَا بَاطِلٌ نَعَمْ إِنَّهُ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ؛ این، سخن حقی است که از آن اراده باطل شده، آری حکومت و حکم مخصوص خداوند است»	

موضوعات زیر به عنوان «داستان‌های نهج البلاغه» ثبت شده است

سرکشی ابلیس، ساده زیستی علی، شجاعت پیامبر (ص) از نگاه علی (ع)، شکیبائی و تحمل علی (ع)، صلابت علی (ع)، شیوه زندگی در لباس و غذا و...، عاشق علی (ع) و دشمن کینه توز آن حضرت، عشق سرشار علی (ع) به شهادت، فاصله بین حق و باطل، علی (ع) کنار جنازه طلحه، علی (ع) کنار قبر زهرا (س)، قاطعیت، برای اجرای عدالت، فرمان خنثی سازی نقشه دشمن، گوشه ای از زهد پیامبر اسلام (ص)، ماجرای حکمین

نتیجه گیری

نهج البلاغه کتابی است ارزشمند که در تمام کلمات و سطور و صفحات آن، فصاحت و بلاغت، شیوایی الفاظ و حلاوت و جذابیتی خاص به چشم می خورد. به جرات می توان گفت که بعد از کلام خدا و پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) هیچ کلامی را پیدا نمی کنیم که تا این اندازه جذاب و با حلاوت و در عین حال لطیف باشد. نیک می

دانیم که هر صاحب قلم و نویسنده و شاعری در کتاب خود، شخصیت، افکار و روحیات و طرز تفکر و اخلاق خود را منعکس می‌کند، حضرت علی (علیه السلام) هر گاه در هر موضوعی در نهج البلاغه سخن می‌گوید، سخن او در نهایت کمال است. در واقع نهج البلاغه همچون شخصیت علی (علیه السلام) چند بعدی است. نهج البلاغه یک اثر فوق العاده هنری است و از لحاظ زیبایی و شیوایی معتبر است. هیچ گوینده فارسی و هیچ نویسنده و هنرمند و شاعری را در زمان خود و در هیچ زمانی سراغ نداریم که بتواند با زبان شیوای علی (ع) حرف بزند (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۳). این ابعاد بلاغی نهج البلاغه از آن رو اهمیت بیشتری می‌یابد که در جامعه عرب جاهلی و صدر اسلام، شعر و ادبیات از بسط و گستردگی و فراگیری قابل توجهی برخوردار بوده و سخنوری و بلاغت نزد اعراب صدر اسلام از اهمیت و ضرورت فراوانی خصوصاً برای بزرگان و رهبران برخوردار بوده است. از سوی دیگر فرایند قالب بندی به عنوان شیوه برقراری ارتباط رهبران موثر می‌باشد که ایده‌های رهبر در کلام و عمل منجر به پیشبرد اهداف سازمانی می‌شوند. در این دیدگاه جدید رهبری، رهبران با استفاده از ابزار برقراری ارتباط می‌توانند بر زیردستان خود با استفاده از شیوه‌هایی اثر گذارند که در نتیجه آن رهبری موثر در بستر سازمانی شکل گیرد. امام علی (ع) رهبر موثر جهان اسلام در کتاب نهج البلاغه با بیش از هزار و چهارصد سال قدمت تکنیکهای مدیریت معنا (استعاره، زبان ابتکاری، داستان و تضاد) را به کار برده است. با بررسی الگوی مدیریت معنا در سخنان حضرت علی (ع) در نهج البلاغه به عنوان یک اثر فوق العاده و با استفاده از تحلیل محتوا می‌توان دریافت که حضرت علی (ع) از چهار تکنیک مدیریت معنا جهت هدایت و نفوذ در انسانها به شیوه منحصر به فردی استفاده نموده است و با مطالعه نهج البلاغه می‌توان استنباط کرد که حضرت علی (ع) در دوران حکومت خود با کارگزاران و عموم مردم به بهترین نحو ارتباط برقرار کرده و با برخورداری از مهارت‌های ارتباطی قوی توانسته است ضمن هدایت و بسیج مردم در شرایط خاص جنگ و نیز پیشبرد تحولات مرتبط با شیوه حکومت و استقرار عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد از این الگو به نحوی اثربخش بهره‌گیرد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- ابن میثم (۱۳۶۲)، شرح نهج البلاغه، دفتر نشر الکتاب، چاپ دوم.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۸۰). «نگرش به حکومت و مدیریت از منظر امام علی (ع)»، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۲۶.
- آیت الله خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در کنگره چهارم نهج البلاغه. بازیابی شده در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۲۴
- ایران نژاد پاریزی، مهدی (۱۳۸۵). اصول و مبانی مدیریت (در جهان معاصر)، تهران: انتشارات مدیران، چاپ اول.
- البستانی، محمود (۱۳۷۱)، اسلام و هنر، ترجمه حسین صابری، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه البلاغه، قم: دفتر نشر الهادی، چاپ سوم.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین (۱۳۳۰)، تلخیص البیان فی مجازات القرآن، ترجمه سید محمد باقر سبزواری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شمسیا، سیروس (۱۳۷۰)، معانی و بیان، تهران: دانشگاه پیام نور.
- صفوی، امام الله (۱۳۷۴)، کلیات روشها و فنون تدریس، تهران: انتشارات معاصر، چاپ پنجم.

- فرهنگی، علی اکبر؛ صفرزاده، حسین؛ خادمی، مهدی (۱۳۸۳). نظریه‌های ارتباطات سازمان، تهران: نشر رسا
- مرکز جهانی اطلاع رسانی آل‌البیت، نهج البلاغه: www.balagah.net
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هشتم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). امدادهای غیبی در زندگی بشر، تهران: نشر صدرا، چاپ بیست و هفتم
- معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم.
- مقیمی، سیدمحمد (۱۳۸۵). سازمان و مدیریت رویکردی پژوهشی، تهران: انتشارات ترمه، چاپ چهارم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵)، پیام امام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- Fairhurst, G. T. & Sarr, R. A. (1996). *The Art of Framing: Managing the Language of Leadership*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Gardner, Owen (1997). Value Based Management Available at: www.valuebasedmanagement.net/methods_tversky_framing.html
- Miller, Katherine (2012). *Organizational communication Approaches and Processes*, SIXTH EDITION, Texas A&M University
- Nottingham, Joanne E (2014). *Tools for Framing, Metaphor, Jargon, Contrast, Spin, and Stories*, Note Table 5.1 on p. 101

یادداشت‌ها

¹ Dr. Joanne E. Nottingham

² Katherine miller